

## بحث در باره بعضی از مواد قانون تشدید

## مجازات رانندگان

بطوریکه خوانندگان گرامی استحضار دارند تا قبل از تصویب قانون تشدید مجازات رانندگان مجازات قتل‌های غیر عمدی ناشیه از تصادفات وسائط نقلیه مונوری بر مبنای ماده ۱۷۷ قانون مجازات عمومی اعمال میگردید ولی با ازدیاد ریز افزون اتوسبیل بنحویکه امروز مأسورین مسئول را دچار نگرانی فوق العاده ای کرد، و در فکر تهیه طرح‌های لازم بمنظور جلوگیری از تصادفات عدیده میباشند ضرورت تصویب قانون خاص احساس گردید تا اینکه قانون مارالذکر بمرحله اجرا در آمد اما آیا این قانون نظر مقنن و اولیای مسئول را تأمین کرد؟ تصور میکنم جواب آن جز کلمه نه نباشد زیرا سابقه رفع علت نیستیم بلکه چاره اندیشی برای ارتفاع معنول می‌نمائیم. گواهمیناسه‌های رانندگی بنحویکه تبالا در دسترس متقاضیان گذاشته می‌شود. وسائط نقلیه فرسوده، جاده‌های خراب، عدم کنترل رانندگان توسط پلیس در جاده‌ها و شهرهای و بالاخره بی توجهی راننده و عابر و چندین عامل دیگر علت اصلی بروز حوادث رانندگی است مجازات شوغری که بزرگ‌گترین آورخانواده‌ای را در اثر اجتماع علل فوق یا وجود احد از آنها نابود کرده بر تقدیر اینکه اعدام هم باشد نه تنها درد بدبختی آن خانواده را درمان نخواهد کرد بلکه یک فامیل دیگر هم در عرض آن قرار میگیرد.

اکنون میپردازیم بموادى که در سرلوحه مقاله اشاره شد.

ماده ۱ قانون تشدید مجازات رانندگان. مجازات راننده‌ای را که بر اثر عدم مهارت یا بی احتیاطی یا عدم رعایت نظامات دولتی مرتکب قتل کسی شود دو تا سه سال حبس تأدیبی و پرداخت مبلغی غرامت تعیین کرده است البته این مجازات میتواند با اعمال ماده ۵ قانون مجازات عمومی تا یازده روز حبس قابل خریداری برروزی ده ریال تقلیل یابد ملاحظه میفرمائید جان یکفرد ممکن است فقط یازده تومان ارزش داشته باشد.

ساده دوم قانون مذکور پنج مورد از عمل فوق را موجب تشدید مجازات و تغییر وضعیت جرم از نوع جنحه به جنایت دانسته که آن پنج عبارتند از:

- ۱ - مست بودن راننده هنگام تصادف
- ۲ - پروانه رانندگی نداشتن
- ۳ - سریع تر از حد مقرر رانندگی کردن (هنگام تصادف)
- ۴ - ناقص یا معیوب بودن آلت نقلیه در زمان وقوع حادثه
- ۵ - وقوع تصادف حین عبور از نقاط ممنوعه

۱ - مست بودن. راجع باین قسمت باید عرض شود چه بسا حقوقی از بین می‌رود و چه بسیار افراد بی‌پناهی که دچار غضب قانون مزبور میشوند زیرا درجه مستی باید روشن و آن مستی موجب تشدید موضوع گردد که مؤثر در مقام باشد چون هر کس با هر میزان مشروب خوردن مست نمیشود بعضی‌ها را دو کیلاس نوشابه الکلی مست میکند و برخی با خوردن یک بطر یا بیشتر، تغییر حالت نمیدهند این مطلب را چه مقاسی باید تشخیص دهد البته طبیب. متأسفانه اغلب تصادفات در نقاطی اتفاق می‌افتد که حداقل زودتر از هشت یا ده ساعت بعد از حادثه دسترسی به پزشک نیست در اینصورت وقتی متهم به طبیب معرفی میشود که اگر مست هم بوده رفع سکر از وی شده اینجا است که حق قانون ازین می‌رود و مدعی العموم مطابق وظیفه قانونی قادر به بیان ادعا نیست یا در همین صورت متین راننده‌ای که مقدار کمی مشروب نوشیده تصادف میکند و کسی راسی گنند رئیس پاسگاه ژاندارمری بلافاصله در محل حاضر میشود بوی مشروب از دهان متهم استشمام و گزارش مینماید که مست بوده است اینجا حق متهم مورد تجاوز قانونی که وسیله اجرائی ناقص دارد قرار میگیرد بنده تصور میکنم تاکنون یک مورد کیفرخواست صحیح یا حکم بدون تردید در اینمورد صادر نشده باشد

۲ - مورد دیگر نداشتن پروانه است - در این قسمت نیز سالیها ابهامی وجود داشت که خوشبختانه با صدور رأی هیئت عمومی رفع ابهام شد و آن این بود که بعضی از قضات نداشتن پروانه را برای شمول این مورد لازم میدانستند و عده زیادتری دادرسین را عقیده بر آن بود که اگر پروانه لازم هم نداشته باشد در حکم فقدان گواهینامه است این دسته کسی را که با پروانه درجه دوم کامیون را هدایت مینمود و مرتکب قتل غیرعمدی میشد در عداد رانندگان میدانستند که اصلاً با

فقد انواعی نامه رانندگی میکرده در حالیکه دسته اول قائل باین عقیده نبودند و بالاخره رأی هیئت عمومی دیوانعالی کشور عقیده دسته دوم را تأیید نموده و وجود پروانه غیرلازم را در حکم عدم دانست.

۳ - سرعت . اشکالاتی که در عمل نسبت بمورد سوم پیش میآید واقعاً شایان توجه است در آئین نامه راهنمایی و رانندگی کسی را که بیش از سرعت مقرر رانندگی نماید متخلف میشناسد حال کدام وسیله برای تشخیص این امر وجود دارد چه عرض کنم ؟ اغلب پرونده ها را می بینم که پاسبان پاس خیابان گزارش میدهد فلان اتومبیل زیادتر از سرعت مقرر در خیابان حرکت میکرده مطلب اینجا نیست که میزان جریمه متخلف چقدر باشد حکم باید مستدل صادر شود حال حکم اعدام است یا حبس مؤبد یا محکومیت به پرداخت غرامت خلافی قاضی نمیتواند باعتبار اینکه موضوع مجازات ارزشی ندارد حکم خود را بلا دلیل و غیر سوجه صادر نماید آنطور که شنیدم امروز در کشورهای راقیه دنیا وسیله ای برای کنترل سرعت اتومبیلها وجود دارد که عکس متخلف را با عقربه کیلومتر شمار اتومبیل وی برمیگرد و با این ترتیب مأمورین سنده زنده در مقابل متخلف گذارده و او را جریمه مینمایند و بی مأمور راهنمایی می میرسد و اظهار میدهد آقا سرعت اتومبیل شما زیاد بوده بر مطالبه جریمه مینماید آیا در این مقام دلیلی جز ادعا ابراز میکند ؟ آیا اگر باین ادعا اعتراض شد دادگاه حرف معترض را قبول مینماید ؟ پاسخ این سئوالات هم جز نه چیز دیگری نیست فقط مدتی وقت شیخ باصطلاح متخلف معترض توضیح شده است از این درد بی دوا میگذریم تا اینجا هم راضی هستیم و بی زمانی میرسد که همین ادعای بی دلیل بر باد دهنده طومار خانواده ایست آقای کاردان فنی (اگر در منطقه ای باشد که دسترسی بکاردان فنی باشد خیلی راضی و تاحدودی مطمئن هستیم) یا کارشناس انتخابی از طرف آقای بازپرس ادعا میکند که راننده مقصر چون تصادف متجاوز از سرعت مقرر رانندگی مینموده تنها دلیلی که اکنون آقایان افسران کارشناس برای صحت ادعای خود اقامه میکنند آزمایش وسیله همان اتومبیل آلت تصادف میباشد نه این عمل با اشکالات عدیده ای که چند مورد آن ذکر خواهد شد مواجه و بالنتیجه اظهار نظر آقای کارشناس بی ارزش خواهد بود توضیح اینکه اکنون رویه این است که کاردان خط ترسزرا که بر اثر کشش طایروی جاده منعکس شده اندازه گرفته و سپس اتومبیل تصادف کرده را سوار (در صورت

اسکان) و با سرعتی مشخص حرکت و یکمرتبه ترمز کرده و خط ترمز جدید را اندازه گرفته و بابتن تناسب میزان سرعت هنگام وقوع حادثه را تعیین مینماید اکنون به شرح ذیل اشکالات متصوره را بعرض میرساند:

الف. ممکن است اتومبیل بعد از تصادف قابل رانندگی نباشد که بتواند بعنوان آزمایش مورد استفاده قرارگیرد مثلاً اتومبیلی پس از کشتن یک نفر بسمت دیگری منحرف و بدره‌ای سقوط مینماید یا بکناره کوه برخورد میکند. هنگام مشاهده کاردان صرفنظر از اینکه دارای همه نوع نقص فنی است که نمیتوان تشخیص داد زمان حادثه این نقائص وجود داشته یا خیر قابل راندن نیست که بتوان معلوم کرد راننده با سرعت مجاز حرکت میکرد یا غیر مجاز.

ب. سرعت مجاز. در اصل خود سرعت مجاز بحث است که آیا منظور از سرعت همان است که روی تابلوها از اول جاده بسا تا مقصد نوشته شده یا نظر بسرعتی است که برابر عقیده کاردان رعایت آن در محل تصادف لازم بوده مثلاً سرپیچ یا داخل تونل یا در سرازیری و غیره راننده نمیتواند و نباید با سرعتی که در آئین نامه مربوطه یا روی تابلوهای جاده منعکس است حرکت کند بدینوسیله است در این نقاط که اغلب مکان تصادف است نمیتوان بمیزان سندرچ در آئین نامه حرکت کرد پس باید سرعت را چگونه حساب کرد اگر کاردان ادعا کند سرعت این نقاط باید خیلی کمتر از آنچه در آئین نامه مذکور است بوده باشد راننده پاسخ میدهند اولاً سلاکت شما چیست ثانیاً من از کجا سببایستی بدانم که سرعت لازم جبه میزان است و چراگاه معتقد شویم چون تشخیص سرعت مجاز مشکل است بهتر دمانا که بتوسل بسرعت سندرچ در آئین نامه مربوطه و تابلوهای بین راه شویم که اینهم عاقلانه نیست راننده‌ای مجاز باشد مثلاً در پیچ‌های گردنه‌های آب علی یا میگون با سرعت ۷۰ کیلومتر حرکت کند بنظرم بهترین طریق رفع این ابهام تهیه و نصب تابلوهای متعدد جهت نقاط مختلف جاده مخصوصاً جاده‌هاییکه احتمال تصادف زیاد است میباشد.

ج. مسئله تشخیص سرعت بر فرض اینکه اتومبیل سه پس از تصادف ناقص نشده باشد: آنچه که آقایان کاردانها تشخیص میدهند با احتمال و حدود قابل ارزش است ایشان میزان کشتن چرخهای ساشین و اثر ترمز حین تصادف را اندازه گیری نموده و با سرعتی بخصوص اتومبیل را راننده و ناگیان متوقف و این

کشش را با جای ترمز قبلی تناسب بسته و سرعت هنگام واقعه را سی سنجند که بنظر حقیر این اشکالات متصور است که اولاً از کجا بدانیم ترمز بر اثر کار شده یا نه هنگام تصادف عیناً سالم مانده و همان وضع را دارد که در موقع حادثه داشته چه بر اثر یک فشار ناگهانی روی پدال ترمز و سایش لنت‌ها وضع آن کاملاً فرق میکند ثانیاً مسلم است کسی که بایک حادثه ناگهانی روبرو میشود وضع روحی او در اثر شتاب یا دستپاچگی (خود گم کردن) با احوال شخصی که بدون توجه بعامل تصادف پشت فرمان مینشیند فرق میکند او را فرمان مغز بایک دنیا التهاب و ادار به ترمز کردن کرده و این را وظیفه اداری بدون کوچکترین نگرانی و وحشت رابعاً اشکال مهمتر از همه و غیر قابل ارتفاع موضوع تشخیص در همین وضع میباشد چه اینکه آقای کاردان ماشین را حرکت داده وقتیکه عقربه کیلومتر شمار مثلاً روی ۶۰ میرسد مبادرت به ترمز نموده و اتومبیل متوقف گردیده و جای ترمز را متر میکند آیا جز این است که آقای کاردان قادر نیست سرعت واقعی اتومبیل را حین ترمز یادداشت کند زیرا از آن لحظه که تصمیم به جدا کردن پی خود از پدال گاز و فشار آن روی پدال ترمز میگیرد ناآنی که ترمز گرفته میشود لحظاتی سپری میگردد که با گذشت آن مقداری از سرعت کسر میشود در حالی که کارشناس سرعتی را سلاکت میداند که در آن تصمیم بتوقف گرفته شده این مطلب را رانندگان بخصوص آنها که جیب ویلیز دارند بخوبی درک مینمایند زیرا در این نوع اتومبیل خاصیتی تعبیه شده که بمحض آزادی پدال گاز آنآ حدود ده کیلومتر از سرعت کاسته میشود در حالیکه این وضع در اتومبیلهای سواری کمتر محسوس است تازه اگر کارشناس ادعا کند سرعتی را در نظر گرفته‌ام که در زمان فشار پا روی پدال ترمز وجود داشته باور شدنی نیست زیرا برای او قابل کنترل نمیباشد نکته حساس تر از سوار گفته شده اینست که آیا کاردان فنی سرعت آزمایشی زمان فشار پا روی پدال ترمز را یادداشت نموده یا سرعت لحظه کیپ شدن لنت‌ها و توقف که در اینمورد هم بنظر نمیرسد کاردان بتواند مؤمن به صحت نظریه خویش و قضات معتقد به درستی رأی خود بانند زیرا پنج کیلومتر اختلاف سرعت آزمایشی ممکن است وضع پرونده را از لحاظ جنحه یا جنائی بودن جرم تغییر داده و نتیجه رأی باحیاط اجتماعی خانواده‌ای بازی نماید.

د. در تشخیص سرعت اشکال دیگری پیش میآید که آن علم بر

موقعیت جاده است اگر محل تصادف جاده اسفالتی باشد برای تعیین سرعت خشک یا تر بودن. یا برف داشتن یا یخ زده بودن آن هنگام وقوع حادثه باید مورد توجه قرار گیرد هرگاه جاده خشک بوده ساعت روز نیز مؤثر در قضیه است مثلاً ایجاد خط ترمز روی اسفالت با کمی گرم شدن یا سرد بودن هوا فرق میکند همچنین تر یا برفی بودن یا یخ زدگی جاده و سایر عواملی که در موقع تصادف موجود بوده متأسفانه هنگام آزمایش جهت تشخیص میزان سرعت مسلماً ایجاد وضع اول غیر ممکن است چه مقدار آب روی جاده و قطر برف و یخ سطح راه کاملاً مؤثر در مقام است که نمیتوان صورت زمان تصادف را بوجود آورد هرگاه جاده خاکی بوده اشکال بزرگی که متصور است اینکه چه بسا تا ورود کاردان اندازه گیری جای ترمز باد مقداری از آثار ترمز را محو کرده و یا سوراخ اولیه در اندازه گیری ابتدا و انتهای خط ترمز کاملاً رعایت ننموده کمتری یا زیاد تر صورت جلسه کرده باشد و قتی که کاردان هم سیرسد با گذشت مدتی از تاریخ حادثه دیگر استفاده از خط ترمز قدر ستیمن بدست نمیدهد گذشته از همه مطالب معروضه برای بستن تناسب بمنظور تشخیص میزان سرعت باید وضع جاده محل آزمایش از نظر پستی و بلندی، مسطح و یا صاف بودن عیناً همان محل تصادف باشد که اینهم بمنظور غیر ممکن است در خاتمه این قسمت بعرض سیرساند که اگر سرعت اتومبیل هنگام تصادف از طرف کاردان فنی صد و یا صد و بیست کیلومتر در ساعت تشخیص گردد اشکالات مرقوم کمتر متصور است ولی مسئله بغرنج آنجا است که کاردان میزان سرعت را ۷۰ کیلومتر بر آورد کند که بالنتیجه راننده فقط پنج کیلومتر آنهم از روی حدس و احتمال سریعتر از سرعت مجاز سیرانده است در اینصورت قاضی محکمه جنائی دچار ناراحتی وجدان شده و مسئولیت قانونی نیز او را تهدید میکند و صریحاً باید اعتراف کرد که صدی هشتاد آراء محاکم جنائی که بر این مبنا صادر گردیده خالی از اشکال نیست.

۵. اخیراً طبق تصویبنامه وزراء داد گستری و کشور منتشره در مجموعه حقوقی سال ۳۹ حداکثر سرعت مجاز اتومبیلها در جاده ۷۰ کیلومتر تجویز شده ولی این تصمیم دارای نقص بینی است و آن اینکه مصوب توجه ننموده که دو نوع اتومبیل باری و سواری و حتی هر یک از این دو قسم از لحاظ بزرگی و کوچکی و سوز ساختمان نمیتواند یک سرعت مجاز داشته باشد مثلاً کامیون بزرگ باسی فن باز اگر با هفتاد کیلومتر سرعت حرکت کند قطعاً موجبات تصادف را فراهم میآورد

و بالنتیجه باید معتقد بود که این سرعت برای این اتومبیل مجاز نبوده است یا بالعکس برای یک دوج سواری آخرین سیستم و ماشینم نه حداکثر سرعت زیر عقربه کیلومتر شمار دویست کیلومتر است هشتاد کیلومتر سرعت بسیار ناچیز و چه بسا از لحاظ مکانیکی زیان آور است این نمونه ماشین ها با سرعت صد کیلومتر هم بطور بی قابل کنترل اند و مسلماً رانندگان آنها تاکنون سرعت مجاز را رعایت ننموده اند فقط سرعت هفتاد کیلومتر زمانی مورد توجیه واقع شده که تصادفی رخ داده و موضوع مشمول ماده ۳ قانون تشدید مجازات رانندگان گردیده است بعقیده محقیر باید سرعت مجاز را برای اتومبیلهای سواری زیادتر و جهت کاسیونها کمتر قائل شد که رعایت اصول رانندگی بشود.

ز. اخیراً افسران کاردان بر اثر احساس عاجز از تشخیص میزان واقعی سرعت هنگام تصادف مطلب را با ذکر جمله (تجاوز از سرعت مطمئنه) خاتمه میدهند در صورتیکه این اظهار عقیده اصول صحیحی بشرحیکه قبلاً عرض شد ندارد بنمای تشخیص سرعت مطمئنه چیست و چگونه میتوان آنرا بدست آورد اگر منظور با تشخیص راننده است همه میدانیم که هیچ وقت دو نفر راننده یک اندازه مهارت ندارند مستند رانندگانی که در پیچ های بسیار تنگ قادرند با سرعت هفتاد کیلومتر بلکه بیشتر به پیچند در حالیکه اشخاص دیگری با دارا بودن همان درجه گواهی رانندگی بزحمت میتوانند در آن پیچ ها با سرعت ۵ کیلومتر رانندگی نمایند غیر از مهارت و تجربه با اعصاب نیز سروکار دارد. افرادی قوی الاراده و مسلط بر اعصاب کمتر در زمان مواجهه با خطر خود را باخته و با اصطلاح دست و پای خود را گم میکنند و بالنتیجه خویشترن را از سهدکه تصادف نجات میدهند و حال آنکه اشخاص ضعیف و عصبانی و جبون بمحض روبرو شدن با حادثه متوحش گردیده و با انجام اعمال نابجا خطر را استنبال میکنند بناء علیهذا تصدیق خواهند فرمود که جمله سرعت مطمئنه فاقد ارزش قضائی بوده فقط گمراه کننده قضات است کاردان باید صریحاً میزان سرعت زمان تصادف را تعیین کند (آنهم بشرحیکه باستحضار رسید امکان پذیر نمیشد).

ع. نقص فنی. مورد دیگر که از علل مشدده مجازات و تشدید کیفر از جنحه بجنائی پیش بینی شده ناقص بودن دستگاه موتوری در زمان وقوع قتل میباشد این قسمت نیز ناروا است چه قاعداً باید نقصی مورد عنایت قرار میگرفت

و بان متذکر میشد که مؤثر در وقوع حادثه بوده باشد با این جمله ناقص هرگاه کامیونی بانقاص ترمز یا فرمان بکار انداخته شده و مسافران از بالای بار در اثر بی مبالاتی خود او پرت گردیده و بقتل برسند از ظاهر ساده برسیاید که باید علیه راننده کیفرخواست جنائی صادر نمود درست است که راننده رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی را نکرده و باصطلاح ماده ۱ قانون تشدید مجازات رانندگان علت عدم رعایت نظامات دولتی قتل واقع شده ولی نقائص فنی مذکور که مسلماً بلافاصله پس از معاینه از طرف کاردان فنی بان اشاره میشود هیچگونه اثری در پیش آمد قتل نداشته بلکه علت دیگری مؤثر در قضیه بوده معذالک صریح ساده ۲ حکم میکند که باید کیفرخواست بداد گاه جنائی تقدیم داشت بعقیده حقیر با اضافه کردن جمله (مؤثر در وقوع حادثه) پس از کلمه (سیکانیکی) این قسمت از ماده ۳ قانون سارا تذکر را میتوان اصلاح نمود که اشکال یا بحث برای قضات دادسرا مستصوب نباشد.

ه - آخرین قسمتی که عدم رعایت آن سوجبات تشدید مجازات رافراهم سینماید عبور از محللهای ممنوعه است که در حین حرکت قتل غیر عمد واقع گردد. راجع باین قید بنده اعتراضی ندارم البته رانندهای که در نقطه ای که عبور از آن ممنوع است سبادرت به رانندگی نموده و بالنتیجه مرتکب قتل غیر عمد شد بایستی در باره اش شدت عمل به خرج داد و مجازات او را تشدید کرد ولی هر یک از خوانندگان محترم که بفن رانندگی آشنا بوده و مخصوصاً در تهران اتومبیل رانی نمایند با عنایت به کثرت تابلوهای عبور ممنوع برنقش این قید پی خواهند برد اداره راهنمایی و رانندگی هر روز عبور از هر نقطه ای را که خواست ممنوع میکند و بسا عبور از خیابان بیست متری که تا دیروز آزاد بوده امروز ممنوع میشود سبلا خیابان حقوقی که خیابان نسبتاً عریضی است تا نصف عبور از دو قسمت آزاد و از یک محل عبور از یک جهة ممنوع است و هیچ دلیلی جز راحتی عبور و مرور برای این ممنوعیت وجود ندارد حال اگر رانندهای که مدتی در خارج از تهران زندگی میکرد و تا قبل از خروج او رفت و آمد از خیابان مزبور سرتا سرآزاد بوده اشتباهاً باین خیابان وارد و اتفاقاً مرتکب قتل غیر عمد هم شد اجباراً او را باید در داد گاه جنائی تعقیب کرد در حالیکه فقط یک عامل سهل انگاری که آنها هم با عنایت به کثرت وسائط نقلیه فرصت توجه به تابلوی ممنوعه کمتر نصیب میشود سوجد این وضع گردیده بنظر



بنده با امتنات به آثاری که بر تابلوهای عبور ممنوع با راست باید بین نقاطی که عبور ز آنها موجد خطر حتمی است ( مانند بن بست ها و کوچه های بسیار تنگ ) و معابری که صلاحیت راحتی عبور و سرور منع ایاب و ذهاب اتوسبیلها را ایجاب میکنند فرق قائل شد برای کوچه های از نوع اول تابلوی عبور ممنوع و جهت معابر دوم تابلوی عبور یکطرفه نصب کرد تا اشکالی فوق الذکر پیش نیاید و بی جهت کسی ظلم نشود.

بعد از خاتمه بحث در باره ماده ۲ موضوعی که مبتلا به قضات دادسرا است و اغلب اختلاف عقیده هائی را پیش میآورد مورد ماده ۱۱ قانون تشدید مجازات رانندگان میباشد چه ماده مذکور مجازات رانندگان را که هنگام وقوع تصادفات مشمول مواد ۳ و ۴ و ۵ قانون مزبور که سست بوده و یا پروانه نداشته یا با سرعت زیادتر از حد مقرر حرکت میکرده و یا دستگاه سوتوری را با وجود عیب و نقص میکانیکی بکار انداخته باشند حداکثر مجازات مصرحه در ماده های مرقوم را تعیین مینماید بعضی از قضات عقیده دارند که اگر مورد از مشمول مواد ۳ و ۴ و ۵ از معنادیق چهار مورد شده بیده گذشت شاکی خصوصی تعقیب متهم را موقوف نمینماید و دلیل ایشان اینست که در ماده ۱۱ از قابلیت موقوفی تعقیب متهم بواسطه گذشت شاکی خصوصی ذکر نشده و حتی برخی از دادگاههای استان نیز این عقیده را تأیید نموده در حالیکه بنده معتقدم ماده ۱۱ یک ماده تذکاری است باین نحو که بمنظور تنبیه رانندگان که با اوضاع چهارگانه سبادت برانندگی کرده اند مجازات را تشدید نموده ولی این نظر مقنن وضع متهمی را که عمل او مشمول مادتین ۳ و ۴ است نمیتواند تغییر دهد چه برای وی حق موقوفی تعقیب با گذشت شاکی خصوصی شناخته شده چون با قبول این عقیده باید معتقد باشیم که ماده ۲ . ۷ قانون مجازات عمومی هم با وجود یکی از علل هفتگانه مشدده قابل گذشت نیست چه فرق است بین سواردی که ذیل مادتین ۳ و ۴ ذکر شده باشد گذشت شاکی خصوصی تعقیب متهم را موقوف مینماید و در ماده ۱۱ وجود یکی از علل مشدده را موجب تشدید مجازات او دانسته با سواردی که برابر ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی و تطبیق با ماده ۲ . ۷ موضوع قابل گذشته شناخته شده باشد اگر جمله منعکسه در ماده ۱۱ را ذیل هر یک از مواد ۳ و ۴ اضافه مینمود با وضع موجود چه فرقی داشت حال ما برای روشن شدن ذهن خود جملات ماده مزبور

را بدون ذکر جمله ( ماده ۱۱ ) ذیل ماده ۳ اضافه میکنیم. ماده ۳ هرگاه راننده وسیله موتوری بواسطه بی احتیاطی و یا عدم رعایت نظامات دولتی و یا عدم مهارت موجب صدمه بدنی شود که معالجه آن کمتر از دو ماه یا دو ماه بطول انجامد و یا موجب سلب قدرت کار از مصدوم در مدت کمتر از دو ماه گردد بجزس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه محکوم میشود در این مورد هرگاه راننده یا تصدی و سایل موتوری در موقع وقوع جرم سست بود یا . . . بعد اکثر مجازات مذکور محکوم و یا گذشت مدعی خصوصی تعقیب مجرم موقوف میگردد. اگر طرفداران آن عقیده باز هم معتقدند که ماده مذکور را قابلیت موقوفی پیگرد با گذشت شاکی نسبت که دیگر بنده بیحشی ندارم ولی اگر قبول دارند که در وضع ماده تغییر حادث نمیشود اشکال حل شده حقیر معتقد است ماده ۱۱ مانند بسیاری از مواد قانون مجازات عمومی تکلیفی است برای قضات دادگاه جنحه که اگر پرونده با وجود علل، سبب شده سنتبی بصورت کیفر خواست و در دادگاه مطرح گردید دادرسین مذکور متهم را بعد اکثر مجازات محکوم نمایند و ارتباطی بارسید گیهای بسوی که دادسرا اتهام متهم مذکور را ثابت یا غیر ثابت میداند ندارد و همین قدر که شاکی خصوصی از تعقیب متهم صرفنظر کرد برابر جمله صریح ذیل مواد ۳ و ۴ باید پیگرد وی موقوف گردد قرینه دیگر موجه بودن این نظریه تذکر بکلمه ( مجرم ) در ذیل مواد مرقوم میباشد چه منقن تا آن حد جلو رفته که بعد از صدور کیفر خواست و محکومیت متهم که در این صورت او را مجرم میدانیم باز هم گذشت شاکی خصوصی تعقیب او را موقوف نماید اگرچه با اصلاح اخیر و تصویب تبصره ذیل ماده ۷ قانون آئین دادرسی کیفری منظور مذکور حاصل است ولی قبل از تصویب این تبصره که گذشت شکات بعد از محکومیت تأثیری در موقوفی پیگرد محکومین نداشت بنظر بنده آن زمان هم گذشت شاکی تعقیب محکوم مواد ۳ یا ۴ را موقوف میکرد است. بناء علیهذا این است عقیده و دلائل حقیر ولی چه قبول افتد و چه در نظر آید.